



شماره ۴۳ ، سال چهارم - اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ برابر با مه ۲۰۰۸

نشریه برومنزی

جهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمهای

هوشنگ کردستانی

بلای تورم بر سر سفره مردم

هم میهنان گرامی،

از زمان روی کار آمدن دولت نهم با شعارهای فربینده مهروزی و عدالت گستری، پخش پول نفت، دریافت دستوری و مستقیم پول از بانک‌ها برای تأمین هزینه‌های جاری دولت و دستگاه‌های فرادری، دادن وعده‌های بی‌سرانجام رئیس دولت در سفرهای استانی و هزینه کردن پول برای طرح‌های به اصطلاح زودبازده، هرگونه رابطه منطقی میان درآمدها و هزینه‌های دولت، و میان توپید و عرضه کالا و خدمات مورد نیاز جامعه، با مقدار پول در گرددش در اقتصاد، از میان رفته است. هزینه‌های افزون بر بودجه دولت در سال ۱۳۸۴ به ۷/۶ میلیارد دلار، در سال ۱۳۸۵ به ۹/۷ میلیارد دلار و در سال ۱۳۸۶ به ۱۳ برابر پایه ارقام شش ماهه اول، دستکم به ۱۷ میلیارد دلار رسیده است.

بقیه در ص ۳

فداکردن منافع ملی و سرکوب مردم

به دنبال تحریم گسترده و شکوهمند انتخابات مجلس اسلامی، یک بار دیگر برای سردمداران جمهوری اسلامی به ویژه رهبر نظام، شکی باقی نماند که برخلاف همه ادعاهای دروغین شان، جمهوری اسلامی نظام ولايت فقيه، فاقد پایگاه مردمی و طبعاً مشروعیت قانونی است.

سخنرانی بی‌سابقه و شتابزده خامنه‌ای در حوزه انتخاباتی، که با نگرانی و عجز و تمناً ایراد شد، حاکی از این واقعیت بود که رهبر نظام هم سرانجام مفهوم سکوت سنگین و خشم سهمگین مردم را نسبت به نظام اسلامی درک کرده است.

با توجه به شکست جناح‌های حاکمیت در جلوگیری از تحریم انتخابات و ناکامی آنان در کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی گیری، باید انتظار داشت که سردمداران جمهوری اسلامی سیاست دوگانه‌ای را در داخل و خارج کشور اتخاذ کنند. گسترش خشونت نسبت به مردم، حتی ایرانیان خارج از کشور و خواری و زبونی در برابر بیگانگان.

به عبارت دیگر: سردمداران جمهوری اسلامی هر چه بی‌آبرو تر می‌شوند و احساس می‌کنند که پایگاهی در میان مردم ایران ندارند و لذا برای بقاء خود و ادامه چپاول و غارت سرمایه‌های ملی، در رابطه با مردم سیاست خشونت و شدت عمل پیش می‌گیرند و از سوی دیگر، با دادن امتیاز به بیگانگان و پذیرش خواسته‌های آن‌ها، سعی در راضی نگهداشتن آنها دارند تا در رابطه با سیاست سرکوب مردم ایران دست کم از سکوت آنها برخوردار باشند.

گفته‌های بدبور از خرد سیاسی و احساس ملی وزیر خارجه اسلامی در انکار حقوق پنجاه درصدی ایران در دریای مازندران، حضور رئیس جمهور اسلامی در اجلاس سران کشورهای عربی جنوب خلیج فارس که اساساً با انگیزه رویارویی با بلندپردازی و نفوذ جمهوری اسلامی در سروده ای از زنده پاد فریدون مشیری سازمان جوانان جبهه ملی ایران، مونیخ - آلمان ریشه در خاک سروده ای از مردم به راه عشق

در این شماره می‌خوانید:

• فداکردن منافع ملی و سرکوب مردم

هوشنگ کردستانی

• بلای تورم بر سر سفره مردم

جهه ملی ایران

• آئین بزرگداشت زادروز دکتر محمد مصدق در احمدآباد

جهه ملی ایران

• نفت بشکه‌ای ۱۱۵ دلار و فقر صاحبان آن در ایران

جهه ملی ایران

• پاسخ به تاریخ، به کجا باید برویم (بخش دوم)

دکتر حسن کیانزاد

• منافع ملی در مسلح مبانی ارزشی

جهه ملی ایران

• نامه به دبیر سرکنسولگری امارات متحده عربی در شهر

مونیخ - آلمان

• سازمان جوانان جبهه ملی ایران، مونیخ - آلمان

ریشه در خاک

• سروده ای از زنده پاد فریدون مشیری

مردم به راه عشق

ایران متعلق به همه ایرانیان است

بقیه در ص ۵

نفت بشکه ای ۱۱۵ دلار و فقر صاحبان آن در ایران

فقر و نابسامانی میهن ما را در بر گرفته است. برنامه های نادرست اقتصادی حکومتگران برای همه صاحبینظران هویداست. گرانی در روزهای آغازین سال ۸۷ پیش از بیش مردم تحت ستم ما را می آزادد. در اوخر سال گذشته مسئولین اقتصادی حکومت گفتند که خط قرمز در شهرهای ایران درآمد ماهانه ۶۰۰ هزار تومانی است. در بودجه سال ۸۷ با افزایش مبلغ ناچیزی به حقوق ماهانه کارگران آنرا به حدود ۲۲۰ هزار تومان رسانده اند و با نگاهی به درآمد طبقات متوسط جامعه معلمان و کارمندان ملاحظه می شود که همه آنان نیز زیر خط فقر به سختی روزگار می گذرانند.

بر اساس گزارش صندوق جهانی پول ایران پیشتر از تورم در خاورمیانه است و پیش بینی می شود تورم در سال جاری بالاترین میزان در میان ۱۴ کشور منطقه و پنجمین نرخ تورم بالا در میان ۱۸۳ کشور جهان خواهد بود. کمترین تورم در خاورمیانه متعلق به بحرین با نرخ $\frac{3}{3}\%$ است و ژاپن در میان ۱۸۳ کشور جهان کمترین نرخ تورم $\frac{6}{10}\%$ را دارد و با نرخی که با توجه به سبد کالای ایران اعلام شده $\frac{7}{20}\%$ نرخ تورم ایران است در حالیکه اقتصاددانان آنرا بیش از $\frac{30}{100}$ محاسبه می کنند.

درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۸۶ حدود ۸۰ میلیارد دلار بوده است. مردم ایران از چگونگی مصرف این درآمد سرشار بی خبر است. نبود آزادی قلم و مطبوعات امکان نمی دهد که افکار عمومی پرسش خود را در سطح جامعه مطرح سازد. می گویند مجلس بر ذخیره ارزی حاصله از افزایش قیمت نفت باید نظارت کند ولی مطالعه خبرهای مجلس چنین نظارتی را تأیید نمی کند و اگر یکی از راه یافتنگان به مجلس شورای اسلامی سئوالی کند ده ها اتهام او را از کرده خود پیشمان می کند. در مطبوعات دولتی آمده است که وزارت آموزش و پرورش از اینکه هزینه سرانه دانش آموزان که سالی ۱۵ هزار تومان است را به حساب وزارت توانه مذکور واریز نشده در شکایت است؟! این مبلغ باید در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ بین مدارس سراسر کشور توزیع می شد که گوشه ای از مخارج مدرسه های ایران در تأمین وسائل آموزشی و بهبود شرایط آموزش است.

روز بیستم فروردین را جشن پیروزی هسته ای اعلام کرده اند و در مدارسی که روزبروز ویرانتر می شود زنگ انرژی هسته ای نواختند. شاید این زنگ صدایی بود که یکی از چاه هایی که سیل درآمد نفت در آن بدون هرگونه کنترلی از سوی نمایندگان واقعی و برگزیده ملت ایران ریخته می شود را بشناسیم. دستیابی به انرژی هسته ای در کشورهای کره شمالی، پاکستان، قزاقستان و دیگر کشورهای غیردموکراتیک جز تحمیلی بر اقتصاد آنان ثمری نداشته است و تلاش صاحبان قدرت در ایران نیز جز ازوای

بقیه در ص ۷

روز یکشنبه بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۸۷ آین بزرگداشت زادروز دکتر محمد مصدق در قلعه احمد آباد برگزار گردید

نخستین گروه شماری از وابستگان و هموندان حزب ملت ایران بودند که چونان گذشته باسته گلی که با نشان حزب ملت ایران آراسته شده بود وارد قلعه شدند و پس از قرائت فاتحه بر مزار پیشوا در کنار همزخم خسرو سیف دبیر حزب و عضو هیات امنای قلعه احمد آباد که از بامداد برای هماهنگی در آنجا حضور داشت، قرار گرفتند.

هموندان جبهه ملی ایران، جاما، و طیف ملی- مذهبی نیز با دسته گلهایی که نشان از سازمان خویش داشتند وارد قلعه شدند و بر مزار دکتر محمد مصدق فاتحه خواندند.

اعلام برنامه های این آین برعهده همزخم اسماعیل فراهانی بود که در بخشی از سخنان خود چنین گفت:

صدق آزاد مردی است که رهنمودهای ملی و مبارزاتی او به صورت تجلیات آزاد منشی، آزادی طلبی، بت شکنی، استعمار زدایی عشق به وطن و کوشش و پیکار برای گستن هر قید و بند ما را سخت جان و کوشش به پیش می راند.

نخستین سخنران آفای مهندس سحابی بود که در بخشی از سخنان خود چنین گفت: وابستگی و علاقه و پایبندی ما به نهضت ملی و رهبری دکتر مصدق از سر احساسات و تعصب و یا شخص پرستی نیست بلکه بخاطر خدمات واقعی مصدق به ایران و منافع و مصالح ملی ایران است. دیگر سخنران این آین آفای دکتر هرمیداس باوند بود که در بخشی از سخنان خود گفت:

دکتر مصدق بیش از پنجاه سال عمر خود را در راه خدمت به ایران سپری نمود. دکتر مصدق ملی کردن صنعت نفت را در چار چوب حقوق و هنجارهای بین المللی در پیش گرفت. او ملی شدن را تنها یک امر اقتصادی تلقی نمی کرد بلکه به عنوان یک رنسانس سیاسی می دانست.

پس از سخنان دکتر باوند آفای دکتر محمود مصدق نوءه ارجمند شادروان دکتر محمد مصدق از باشندگان در این آین سپاسگزاری کرد و ضمن گزارش روند تعمیر خانه مصدق از علاقه مندان خواستند که برای ایجاد موزه آرامگاه پیشوا همکاری نمایند. در این آین حضور چهره های سیاسی ملی و دانشجوئی و فرهنگی چشمگیر بود از آن جمله می توان به دکتر نظام الدین قهاری، خسرو سیف، حسین شاه حسینی، مهندس حسین شاه اویسی، محمود گرگین، اسماعیل فاضلپور، سرهنگ نصر الله توکلی نیشاپوری، منصور رسولی، دکتر ابوالقاسم فروزان، مهندس فرامرز بیانی، حمید رضا مسیبیان، مهنس ناصر شیرازی، فرزین مخبر، عیسی خان حاتمی، مهندس کورش زعیم، محمد بسته نگار، رشید مظفری سر دشتی، دکتر حسین موسویان، دکتر مهدی مولید زاده، مهندس اشکان رضوی، دکتر علی حاج قاسمعلی، مهندس حسین عزت زاده، حمید رضا خادم، امیر پریزاد، مهرداد سید عسگری، و ... اشاره نمود. این مراسم با خواندن سرود «ای ایران» با کمال نظم و آرامش خاتمه یافت.

هزینه های وارداتی تولیدگران، بهای فروش کالا و خدمات را برای ایرانیان افزایش داده است. تولید کننده داخلی مجبور است همه این هزینه ها را بپردازد و در نتیجه کالاهای ایرانی زمینه رقابتی خود را در بازارهای جهانی از دست می دهند. بی سیاستی دولت در ایجاد تعهد و هزینه پول، که اخیراً حتاً به اعتراض وزیر دارایی جمهوری اسلامی و برگناری او منجر شد، و پیشتر رئیس کل بانک مرکزی نیز به همین دلیل به همین سرنوشت دچار شده بود، امروز گریبانگیر رئیس کل جدید بانک مرکزی شده است. بانک مرکزی چون قادر به جلوگیری از هزینه های افسارگسخته دولت و دستگاه های وابسته نیست، و این استقلال و آزادی عمل را ندارد که دولت را برای فروش دلارهای نفتی حواله بازار ارز کند، جلو اعتبارات بانکها به واحدهای تولیدی را گرفته که، افزون بر در تنگنا گذاشتن سرمایه در گرددش واحدها، کل سرمایه گذاری های آنان در پیروزه های تولیدی ناتمام را در خطر نابودی قرارداده است.

نابسامانی سیاست های مالی که مانع انجام به هنگام تعهدات واقعی به پیمانکاران شده، همراه با تکیه به نظام بانکی مصنوعی و ناکارآمد دست نشانده دولت، نرخ های بهره واقعی را در بازار تا مرز ۴۰ درصد افزایش داده و همه تولیدکنندگان نیازمند اعتبارات مناسب، و همچنین جوانان و خانواده های نیازمند مسکن، را نیز با مشکل عظیم کمبود نقدینگی و بی خانمانی روپرور کرده است.

چیرگی طرز تفکر سوداگری بر دولت و دستگاه های دولتی در سال های پس از جنگ عراق علیه ایران و اختراع روش خودگردانی مالی با هدف انتقال هزینه های دستگاه های دولتی به ارباب رجوع و مصرف کننده، سبب شد که چه کارخانه ها و دستگاه های اداری دولتی و چه تولیدکنندگان و فروشنده های بخش خصوصی، هرگونه اضافه هزینه واقعی و با فرضی را به حساب خریدار و مصرف کننده بگذارند و به منطق صرفه جویی، کاهش هزینه ها، بهره بری از مزایای اقتصاد در مقیاس تولید، تزریق تکنولوژی، بهبود مدیریت و حفظ مواد و کالاها در چرخه تولید و فروش توجهی نکنند.

رواج طرز تفکر واسطه گری و دلالی بر دولت و سازمان ها و دستگاه های عمومی، از سوی دیگر، سبب شده است که بدون توجه به شرایط کمبود کالاها و فقدان رقابت در بازار، از یک طرف وضع و اجرای مقررات نظارتی و کنترل توسط وزارت خانه های مسئول سیستم و یا کنار گذشته شود، و از طرف دیگر شهرداری ها و اتحادیه های صنفی، اتاق های بقیه در ص ۶

بلای توأم بو سر سفره مودم
بقیه از ص ۱
در حالیکه رشد اقتصادی ۵ تا ۶ درصدی مستلزم رشد عرضه پول به مراتب کمتر از آن است، رشد نقدینگی ۳۰ تا ۴۰ درصد در سال (۳۴/۳، ۳۴ درصد در سال ۱۳۸۴، ۳۹/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ و ۳۶/۹ درصد در شش ماهه اول سال ۱۳۸۶)، یعنی دو برابر شدن نقدینگی در سه سال اخیر، نرخ رسمی توأم برای مصرف کننده در سراسر کشور را از حدود ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۴، به حدود ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۶ و در سال جاری به حدود ۲۵ درصد می رساند.

در حالیکه درآمد نفت در سال ۱۳۸۶ حدود ۶۸ میلیارد دلاربوده و در سال ۱۳۸۷ به حدود ۸۰ میلیارد دلار خواهد رسید، که دو برابر کل درآمد نفت در سال ۱۳۸۱ و برابر درآمد ۴ سال ۷۱ تا ۷۵ است، دولت با هزینه نامناسب پول تحت عنوان هزینه های جاری دستگاه های دولتی و نهادهای عمومی و فرادولتی، و بدون هیچ منطق اقتصادی برای طرحهای خلق الساعه کارشناسی نشده و کم بازده، و با تمرکز پول و قدرت خرید در دست گروهی خاص و وابسته به حکومت و نهادهای شبیه دولتی، نه تنها سبب رشد اقتصادی واقعی و مناسب نشده، بلکه ارزش و اهمیت پول را در کل جامعه کمتر و کمتر ساخته است.

دولت، بدون سیاست مدیریتی صحیح، بی اعتماد به منطق و علم اقتصاد و ضرورت تشویق تولید داخلی که برای مردم اشتغال و درآمد می آفریند، به آزادگذاری واردات و بی اعتمادی به قاچاق، و حتی کاهش و یا حذف موردی تعریفه های گمرکی به نفع افراد خاص و یا کالاهای خاص، به بیانه افزایش عرضه در مبارزه با توأم، با ایجاد رقابت ناسالم و ناعادلانه کالاهای ارزان و بی کیفیت وارداتی در رقابتی نابرابر با صنایع داخلی، عمل صنایع کشور را به تعطیلی و ورشکستگی کشانده است. در حالیکه، انحصار واردات و حلقه های تنگ توزیع در دست گروه های خاص است، افزایش عرضه یا کاهش هزینه ها و یا قیمت های تمام شده کالاهای وارداتی هیچ تاثیری در کاهش هزینه برای مصرف کننده نداشته است.

بیگیری سیاست ستیزگری با دنیا که به تحریم های پیاپی بین المللی اقتصادی و بانکی کشور انجامیده است، افزون بر ایجاد جو عدم اطمینان به آینده، که خود دلخواه رانت خواران است، با جلوگیری از انتقال تکنولوژی به کشور، و با ایجاد واسطه های فروش میان خریداران ایرانی و فروشنده های خارجی و میان بانک های ایرانی و خارجی، افزون بر ایجاد تأخیر در انجام سفارش ها، با بالابردن

دکتر حسن کیانزاد

حکومت در سر دو راهی قرار بگیرد. اگر این قدرت وجود داشت، تحریم‌اش می‌کردیم، در این هنگام باید تنها به عدم شرکت در انتخابات بسته بود.

نظرپرداز دیگری که تنها چشم به سوی تغییر و تحول در میان اصلاح طلبان درون کشور دارد و کنش‌های مبارزین برون مرزی را برضد رژیم، کمنگ جلوه میدهد و تنها برغلبه گفتمان اصلاح طلبی ارج می‌نهد، میگوید: من از تشکیل کمیته دفاع از انتخابات آزاد از سوی نهضت آزادی، جبهه ملی، ملی مذهبی‌ها، سازمان دانش آموختگان و مجمع مسلمانان مبارز، پشتیبانی کردم به دلیل ترکیب چپ و میانه، مذهبی و غیر مذهبی شان. آنها بیست اصل را به عنوان معیار برای انجام یک انتخابات آزاد مطرح کردند، اما این کمیته در انجام وظایف اش تعلل به خرج داد. تنها دو بیانیه انتشار داد و دیگر خبری نبود. آنها در مرحله اول تصویبی در نام نویسی سکوت کردند و انگشت روی نظارت استصوابی گذارند. وظیفه آنها این نبود که به مردم بگویند در انتخابات شرکت بکنند و یا نکنند.

ب- در برابر این دیدگاه‌های خوشبینانه انفعالي فرازین، بویژه در رابطه با به اصلاح اصرار گران درون کشور که در درازای بیش از دو دهه گذشته، پرسه اصلاح ساختار نظام از سوی آنان با شکست رویرو گشته است، توجه به دو دیدگاه از سوی دو شخصیت اندیشه‌ور فعال و صاحب‌نظر چپ، که یکی از آنان سالیان دراز پیش و پس از انقلاب، یک نفس کلیدی در تعیین و گزینش تدبیر و سیاست‌های راهبردی سازمان سیاسی خود و رهبری آن بر عهده داشته است و آن دیگری، که به عنوان پایه‌گزار یک رسانه اینترنتی و اداره پیگیر و موفق آن، برخوردار از اعتبار فردی، رسانه‌ای و سیاسی گردیده است، می‌تواند دستاوردهای پرمایه برای اختیار و گزینش یک راه و خط مشی سیاسی نوین برای همه ایرانیان دموکراتی گردد، که به یک «همایی استراتژیک» برای برکناری حاکمیت جمهوری اسلامی، باور دارند و مخالف هرگونه سازش و مماشات با لایه‌های وابسته درون و بیرون از ساختار نظام هستند.

پ- اداره کننده نشست اینترنتی از شخصیت مسئول و شناخته و اندیشه ور سازمان چپی که در فراز از آن نام آورده باید طرح یک گفتار از خانم فاطمه حقیقت جو نماینده مجلس ششم، «که ما از حقوق بشر صحبت کردیم ولی نتوانستیم در آن مجلس تاثیری در سیستم قانون گذاری بگذاریم، همه رد شدند» و تمام نشانه‌ها، اظهار نظرها و خبرها دال براین دارد، که حکومت تمام تلاش را می‌کند که عرصه رقابت را تنگ کند به نفع اصولگرایان، حال شما نظرتان دراین باره چگونه است؟

ایشان پاسخ می‌دهد: مجلس در نهایت عامل قانون گذاری در کشور است. بدون مداخله مجلس هیچ قانونی امکان شکل‌گیری و تدوین ندارد. مجموعه نظام حقوقی کشور باید از کمال مجلس بگذرد. این نتصور در میان سیاسیون کشور، که سرنوشت کشور در دست قوای سرکوبگر و نظامی است، غلط است. آن نهادها نمی‌توانند نهاد قانونگذار باشند، اما می‌توانند تاثیر بر قوانین بگذارند. مجلس با ۲۷۰ نفر خصلت آن منطقه‌ای است. بجز در تهران، در بقیه شهرها نفوذ افسار بر سر منافع قومی و گروهی و دسته‌بندیها است. تعدادی از این دویست و هفتاد نفر با مردم در ارتباط اند. اکثریت مردم با حساسیت به انتخابات مجلس عمل خواهند کرد و نمایندگان خودشان را به مجلس می‌فرستند؟ این بقیه در ص ۵

پاسخ به تاریخ

به کجا باید برویم؟

آغازی نوین به سوی قرارگاه ملی و فراگروهی
دموکراتها

(بخش دوم)

۴- توجه به نظرگاههای زیر می‌تواند و باید که نقطه اتكای ملی و مردمی ما را روشن کند تا سرانجام بدانیم که، کدامیں نیروهای سیاسی جامعه ایران بر سر آماج و خواست‌ها و آرمان‌هایی که در فراز از آنها سخن به میان آوردیم، می‌توانند سرانجام یکدیگر را تحمل کنند و از گستره تاکنون تنها «حرف» به «عمل» برسند.

الف- برخی از نظر پردازان و اندیشه‌وران برون مرزی، که بیشتر هم تمایل بر این دارند که هویت سیاسی خود را غیروابسته به گروههای سیاسی، یعنی مستقل بیان بدارند، اما از حضور در رسانه‌ها و فراغوهای برخوردارند و کمتر هم تن به قبول مسئولیت و کار در چارچوب های تشکیلاتی گروهی و سیاسی میدهند، همراه تبلیغ اختیار رویکردهایی را می‌کنند که در جهت نوعی «تفاهم»، «اصلاح» و «تعدیل» نظام پیش میروند، و نه برکناری آن. از زمان این بزرگواران و الیت جامعه روش‌نگری برون مرزی، شاید بندرت بتوان حرف و سخنی در رابطه با سیاست‌های سرکوب و قتل و جنایت و ستمی که حکومتگران جمهوری اسلامی بر مردم ایران روا میدارند، شنید. آنها می‌گویند، در ایوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور، با افکار جزئی و یکسوزی و تفکرات سهل و آسانی روبرو بوده ایم، مثلاً حکومت اجتماعی است، ستمگرانه است، پس باید آنرا تحریم کرد. اما تحریم اکنون کار ساز نیست، اگر ما قدرت و درجه تأثیرگذاری در جامعه ایران را داشتیم، تحریم می‌کردیم. حضور در فضای انتخابات را «اگر که حکومتیان سعهی صدر داشته باشند و تفتیش عقاید را رقیق تر کنند، باید به حد کم مدارا راضی بود، بهش اعتبار داد تا احیاناً با حرکاتی سیاسی، افرادی از جناح غیر محافظه کار به مجلس راه پیدا کنند، تا اقلیتی در مجلس باشد. هفت تا هشت میلیون نفر در ایران وجود دارد که در انتخابات شرکت می‌کنند، این تحریم من و شما نظر آن چند میلیون را می‌بندد. چون زورمان نمیرسد باید در همهین چارچوب عمل کنیم. نظرپرداز دیگری از زاویه ساختار قدرت به «جایگاه انتخابات و مجلس در جمهوری اسلامی» نگریسته و میگوید، در زمان شاه انتخابات هیچ جایگاهی نداشت، کاملاً فرمایشی بود. پس از انقلاب تصور میرفت غیرفرمایشی باشد، تا زمانی هم غیرفرمایشی بود ولی آزاد نبود؟!» اکنون انتخابات از غیرآزاد به «نژدیک غیرفرمایشی؟!» رسیده چون تیغ حذف یقه اصلاح‌گران را هم گرفته، امکان رفاقت به ده نفر رسیده است. در فضای انتخاباتی، مردم می‌توانند خواسته‌های شان را بیان کنند. اگر بخشی از نیروهای درون نظام حاضر بودند از بخشی از خواسته‌های سکولار حمایت کنند، باید از آنها حمایت کرد. اصلاح طلبان علیرغم همه سرکوب ها چشم به این دارند، که خامنه‌ای نظرش تغییر کند. توازن قوا باید بگونه‌ای بهم بخورد. جنبش وضعیتی را بوجود آورد، که تعادل قدرت در حکومت بهم بخورد، مثل اروپای شرقی، تا

فداکاردن منافع ملی و ... بقیه از ص ۱
 منطقه ایجاد گردیده است، و نشستن توأم با خواری و خفت
 احمدی نژاد در زیر تابلویی که نام جعلی «خلیج عربی»
 روی آن نوشته شده بود؛
 سکوت ناشی از ترس و جُبن او در عدم اعتراض به سخنرانی
 یکی از شیوخ در تهران که از خلیج فارس بنام خلیج عربی
 یاد کرد؛
 به فراموشی سپردن هزارمیلیارد دلار خسارت ناشی از
 جنگ عراق و متقابلاً و عده دادن کمک یک میلیارد دلاری
 بدون عوض به این کشور که خود صاحب درآمد سرشار نفت
 و گاز می باشد؛
 سکوت کردن در برابر گفته های جلال طالباني رئیس جمهور
 عراق که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را غیرقابل قبول می داند؛
 جلوگیری از تظاهرات میهن پرستانه مردم در دفاع و تأیید
 نام خلیج فارس، که با وجود مخالفت مقام های انتظامی در
 بسیاری از نقاط کشور به ویژه در تبریز و دیگر شهرهای
 آذربایجان بطور گسترده برگزار گردید و ضمن نشان دادن
 مخالفت مردم در بکارگیری نام جعلی «خلیج عربی»، مشت
 محکمی بود بر دهان یاوه گویان و مزدوران معبدودی که
 بدستور بیگانه سخن از ستم قوم پارس بر سایر اقوام ایرانی
 می رانند و به سودای جداسری از سرزمین های وطن دارند و
 ... نمونه های اندکی است از زیبونی، ناتوانی و بی لیاقتی
 سردمداران اسلامی دفاع از منافع ملی ایران.

در درون کشور اما، پایمال کردن بیشتر آزادی ها و گسترش
 خشونت ها نسبت به بانوان - پرچمداران آزادی خواهی -،
 جوانان شجاع، دانشجویان مبارز و کارگران غیرتمنند که
 برای تأمین حقوق و آزادی های انسانی خود بپاخصته اند
 نشانه های دیگری است از وحشت و دلهزة کار بدستان
 اسلامی از امکان شورش ها و خیزش های مردمی در ایران.
 جالب اینجاست که سردمداران نظامی که از رویارویی با
 امارت نشین های جنوب خلیج فارس وحشت دارند، بدون
 شکست در جنگ حاضر به مذاکره پیرامون تعاملیت ارضی
 کشور می شوند، از پاسخگویی به جلال طالباني که در تمام
 دوران قدرت صدام حسين از حمایت های گسترده مالی و
 نظامی جمهوری اسلامی برخوردار بوده است طفره می روند،
 اجازه می دهند سران کشورهای تازه به استقلال رسیده
 شوروی سابق - که در درازای تاریخ مشترکاً تاریخ پرافتخار
 و فرهنگ پربار ایرانی را پدید آورده اند حقوق مارا در
 دریای مازندران نادیده بگیرند، شعار حذف کشور اسرائیل از
 صفحه چهارمیلیاردی جهان سر می دهند و تهدید می کنند که
 چنانچه آمریکا گلوکه ای بسوی آنها شلیک کند منطقه را به
 آتش خواهند کشید!

چه خوب گفته اند که «سنگ بزرگ علامت نزدن است».
 آنچه سردمداران اسلامی باید بدانند این است که، کاربرد
 زور و ادامه بگیر و بیندها گرچه ممکن است چند صباحی
 بیشتر آنها را بر سریر قدرت نگهدارد، ولی نظام استبداد
 مذهبی در آینده ای نه چندان دور، همانند بسیاری از
 نظام های استبدادی و خودکامه دیگر به زباله دان تاریخ
 خواهد پیوست. اتنکاء به بیگانه هرگز خواهد توانست از
 سرنوشت شومی که در انتظار آنهاست، جلوگیری کند.*

پاسخ به تاریخ ... بقیه از ص ۴

از زبانی اشتباہ است که مجلس در درجه رفاه یا فقر و اقتصاد
 نقشی ندارد. مجلس بکی از مهمترین ارگانها در سرنوشت کل
 کشور و مردم است، ما موظف هستیم نسبت به کوچکترین کنش ها
 و عملکردها حساس باشیم، این ها موثر در سرنوشت مردم است.
 در این رای گیری ۵۰ درصد مردم شرکت می کنند و این در
 سرنوشت کشور مهم است و این سرنوشت من و شما را رقم خواهد
 زد! چه خوب بود که ۱۰۰ درصد شرکت می کردند. هرچه قدر ما
 موفق شویم اهمیت مجلس و انتخابات را در ذهن مردم بالا ببریم،
 حساسیت ها بیشتر خواهد شد. «اینکه بیانیم آلتربناتیودرست کنیم
 منتفی است!». ایشان با قاطعیت و معتبرانه این سخن همز
 سازمانی خود را که «خاتمی گفته است من بک تدارکات چی
 هستم، ردکرده و میگویند او اشتباہ کرده، مگر حرف او وحی مُنزل
 است، ما باید روی عقل خود بایستیم و همچنین در مورد
 مشروعيت زدایی از حاکمیت بیان می دارند، که این بحث بلا موضوع
 است. اینکه رژیم جمهوری اسلامی تا چه میزان از نظر اقسام
 اجتماعی و جامعه بین المللی و سیاست های حاکم مطلوب است، به
 نظر من این مفهوم مشروعیت در نظام سیاسی مانیست، از این
 زاویه نباید به موضوع مشروعیت نگاه کنیم. «من موضوع
 مشروعیت را این می دانم که آیا حکومت در ایران، اداره کشور در
 ایران دست کدام نیرو است، کدام سازمان و تشکیلات است. به نظر
 من دست رئیس حکومت خامنه ای، رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه
 است و اینها مسئول در برابر سرنوشت کشور هستند و مردم باید
 مسئولیت آنها را به رسمیت بشناسند!». ما باید تلاش کنیم
 مخالفت مردم را با راه حل و راه چاره مسالمات آمیز و دموکراتیک در
 برابر راه حل های حکومت قرار دهیم. «اگر بحث اینستکه آیا اینها
 حاکم هستند یا نیستند، ما برسمیت می شناسیم و یا نمی شناسیم،
 من این بحث را تمام شده، بحث عهد بوقی و پانصد سال پیش
 می شناسم!؟»

ت - دیدگاه دیگری که درست در برابر نظرگاه فرازین قرار
 می گیرد و آن هم از سوی یک اندیشه کشور سخت کوش چپ و
 مسئول رسانه ای، خود نشان از وجود تفکرات فراگروهی مستقلی
 دارد که در زیر به آن اشاره می آوریم:

سخنران نخست اعتراف می کند به سرکوبها و خبرهای
 خودکشی و قتل در زندانها، شرایط دوباره به سال های شصت
 برگشته است، شکنجه های روحی و جسمی، هیچ صدایی از سوی
 اصلاحگران و یا اصولگران برمنی خیزد، همه باید صدای های مان را
 بر ضد این سرکوب و زندانیان در بند بلند کنیم. در مورد انتخابات
 می توان از دو زاویه به آن نگریست، نخست زاویه اصلاحگر ایانه،
 فضایی بوجود آورد که «تحول» به سوی دموکراسی بوجود آید که
 مجلس بتواند قانونگذاری بهتر بکند. من معتقد نیستم که در
 جمهوری اسلامی با وجود نهادها، چنین تحولی وجود دارد. برخورد
 دیگر در ارتباط با فضایی، که هر انتخابات در ایران بوجود می آورد
 اینستکه، آیا با توجه به امکانات موجود، می تواند تلاش در جهت
 بوجود آوردن یک آلتربناتیو دموکرات و آزادیخواه، به نتیجه برسد.
 من در گذشته مدافع این نظریه بودم که آرام آرام باید در فرست
 انتخابات، راهی را باز کرد، قطب سومی را در برابر دو قطب سنتی
 جمهوری اسلامی بوجود آورد. اما این فرصت بوجود نیامده، امکان
 شکل گیری یک سیاست مستقل وجود ندارد.

ادامه دارد

منافع ملی در مسلح مبانی ارزشی

حفظ تمامیت ارضی، یکی از ابتدایی ترین مسئولیت‌های هر حکومت در برابر ادعاهای و تهدیدهای خارجی است. این وظیفه نه تنها از برجسته ترین و شناخته شده ترین قواعد عرفی حقوق بین الملل است، بلکه در کنوانسیون‌های بین المللی متعدد، به ویژه منشور ملل متحد، به صراحت دفاع از تمامیت ارضی را حق ذاتی هر دولت و عضو جامعه بین الملل تلقی نموده است. بدینهی است انتظار این است که مسئولان کشور، یا نمایندگان آن، با آگاهی از این مسئولیت تاریخی، ملی، قانونی و اخلاقی، در صورتی که در مجتمع و محافل بین المللی با ادعاهایی نسبت به تمامیت ارضی و منافع حیاتی کشور روبرو شوند، در مقام رد، نفی و رفع چنین ادعاهای برآمده و بر صحت حقوق و حقانیت کشور خود پای فشارند، با علم و آگاهی به اینکه سکوت در برابر ادعاهای مورد بحث بعنوان رضایت به حقانیت طرف مقابل تلقی شده و در آینده نیز بر همین پایه مورد استناد در مراجع قضایی و سیاسی فرار خواهد گرفت. دریغ آنکه طی دو سال گذشته در برابر ادعاهای مجعل نسبت به منافع حیاتی ایران در نشست‌های برگزار شده، دولت جمهوری اسلامی سیاست سکوت را در پیش گرفته است. چنانکه وقتی در نشست سران کشورهای ساحلی دریای مازندران برخی از رهبران شرکت کننده اصالت حقوقی عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را زیر پرسش برد و آنها را بنا بر این تاریخ می‌سپارند، رییس جمهوری کشور ادعای خلاف واقع آنان را با سکوت برگزار می‌کند. به همین ترتیب، در نشست‌های اتحادیه عرب در دمشق، وقتی اظهار نظرهای چالشگرانه و صدور بیانیه‌ای نسبت به جزایر ایرانی می‌شود، وزیر خارجه جمهوری اسلامی دم فرو می‌بنده؛ و سرانجام در نشست سورای همکاری خلیج پارس، رییس جمهوری اسلامی در مواجهه با نقشه‌ای با نام مجعل برای خلیج پارس، ادامه حضور را بر خروج مرجح می‌داند.

اینک، با توجه به نکته‌های گفته شده، این پرسش‌ها برای مردم ایران مطرح است:

- ۱- چه ضرورت سیاسی ایجاب نموده بود که رییس جمهور کشوری بدون دعوت رسمی در اجلاس شورای همکاری خلیج پارس شرکت کند و زیر نقشه‌ای با نامی مجعل برای خلیج پارس بدون هیچگونه واکنش نشست نماید؟
- ۲- چه مصالح سیاسی اقتضا می‌کرد که وزیر امور خارجه کشور به عنوان عضو ناظر در نشست اتحادیه عرب در دمشق شرکت نماید تا نمایندگان اتحادیه، برخلاف نزاکت بین المللی، حضور او را نادیده گرفته ضمن اظهار نظرهای چالشگرانه علیه ایران به صدور بیانیه‌ای حاکی از ادعای مجعل نسبت به جزایر سه گانه ایرانی اقدام نمایند. اسفبارتر آنکه رییس جمهور عراق که کشورش شهرت به داشتن روابط ویژه و نیک با ایران است، با بی‌پرواپی در همین نشست از ادعای مجعل دولتهای عرب نسبت به جزایر ایرانی پشتیبانی نمایند.
- ۳- سرانجام، وقتی که در رابطه با منافع ایران در دریای

بلای تورم بر سر سفره مردم...
بازرگانی از وظایف و مسئولیت‌های تاریخی، اخلاقی و نظارتی خود غافل بمانند و خانواده‌های مصرف کننده ناچار در چنگال فروشنده‌گان سودجو و فرصت طلب گرفتار آیند.

یکی دیگر از عوامل افزایش فشارهای تورمی بر بودجه خانواده‌ها و بی‌بندو باری قیمت‌ها، بی‌توجهی دستگاه‌های قضایی و به تبع آن دستگاه‌های انتظامی با گران فروشان، انحصارداران و محتکران است. ارتباط سنتی و اشتراک منافع سوداگران با متولیان امر قضاء و نیز رواج شعارهای خودساخته به ظاهر مذهبی در مورد آزادگذاری قیمت‌ها، سبب شده است که از زمان خاتمه جنگ تحملی و اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی، ساختار نظارت بر بازار، در دولت سست و یا بی‌اثر گردد. امروز، با وجود ده‌ها سازمان بازرگانی و نظارت و کنترل بر روی کاغذ، و حتی وضع قانون مالیات بر ارزش افزوده که مستلزم وجود حساب و کتاب در خرید و فروش هاست، عملًا دست فروشنده در تحمیل قیمت دلخواه بر خریدار باز است و ترسی از نظارت صنفی یا تشکل‌های حرفه‌ای، شهرداری‌ها و حتی وزارت بازرگانی مسئول تنظیم بازار، ندارند.

هم میهنان گرامی،

اقتصاد بی سروسامان و نابسامانی وضع ملت ما در میان ملت‌های هم تراز، حاصل بی اعتمایی به اصول اولیه دولتمداری در دنیای امروز، عدم گزینش افراد شایسته برای مدیریت و اداره امور کشور، و نبود آزادی و برابری فرصتها برای فرد فرد شهروندان در سراسر کشور است.

جبهه ملی ایران، با شعار آزادی، استقلال و حاکمیت ملی از شش دهه پیش، راه و روش پیشرفت و سربلندی کشور در سطح جهانی را ارائه کرده است. تنها راه مبارزه با تورم و مفاسد اقتصادی و اجتماعی ناشی از رکود و بیکاری (فقر، فحشاء، اعتیاد، ارتکاب جرم)، و سربلندی ملی، روی کارآمدن دولت و حکومت ملی برگزیده مردم و پایه ریزی مدیریت امور کشور و مردم بر پایه کارداری و تخصص و تعهد نسبت به منافع ملی و همه مردم است.

احتراماً

بقیه از ص ۶

حضور دبیر سرکنسولگری امارات متحده عربی در شهر مونیخ - آلمان

جناب سرکنسول،

تحولات و رخدادهای سیاسی در منطقه با سرعت بسیار بر علیه منافع ملی ایران می‌گذرد بی‌آنکه حاکمیت، اندک و قعی به آن نهد. برخی از سران کشور نویای امارات متحده عربی که روزگاری به رسمیت شناخته شدنش در گرو امضا کشور ایران بود، امروز با پشتیبانی اتحادیه عرب و برخی ابرقدرتها جهان از ضعف سیاسی حکومت فعلی ایران سوء استفاده کرده چشم طمع به خاک این سرزمین داشته و متصرص فرست و خطای مسئولان جمهوری اسلامی است تا به بیان آن بخشی از این آب و خاک را از میهن عزیزمان جدا نماید.

در مقابل، ملت ایران با تمام وجودش برای حفظ تمامیت ارضی و حیثیت ملی کشورش با هر نوع توطئه به شدت به مبارزه برخاسته و با کاربرد تمامی ابزارهای ممکن، امانت سپرده شده به خود را حفظ خواهد نمود. تا نه گزندی به کشور عزیزمان وارد گردد و نه در تاریخ به خیانت در اهانت متهم گردیدم. بنابر این ما جوانان جبهه ملی در روز ۱۰ اردیبهشت روز ملی خلیج پارس، به همراه هموطنانمان در برابر سفارت امارات وقت امارات متحده عربی رسانده و اعلام نماییم که حتی اگر مسئولان جمهوری اسلامی در برابر گزافه‌گویی های آن ها سکوت کنند، ملت ایران هرگز از یک وجب خاک خود نخواهد گذشت.

به امید ایرانی آباد و آزاد در سایه حاکمیت ملی
پاینده ایران

سازمان جوانان جبهه ملی ایران، مونیخ - آلمان
۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷

رئیس بانک مرکزی هم در اسفند ۸۶ اقرار می‌کند که: به علت نبودن زیر ساخت های اقتصادی درآمد هنگفت دولت در جایی که باید سرمایه گذاری نمی‌شود و این مسئله موجب آنست که بجا ورود سرمایه به کشور که موجب شکوفائی است نرخ تورم را بالا ببرد. سیاست و اقتصاد علوم شناخته شده ای هستند که برای مصالح ملی هر کشور باید بکار آید. علوم را بی فایده انگاشتن و نظریات متخصصان را نادیده گرفتن همانست که بر سر اقتصاد کشور ما آمده است و ارمنان آن فقر و تنگdestی قشرهای وسیع جامعه است.

در سرزمینی که آزادی های فردی و اجتماعی توسط دولتمردان نادیده گرفته شده و دارای اقتصادی بیمار است و سیاست های نادرست داخلی و خارجی که با منافع ملی آن در تعارض است از سوی صاحبان قدرت اعمال می‌شود نمی‌توان در انتظار آینده ای روشن بود. *

منافع ملی در مسلخ مبانی ارزشی
مازندران، رهبران دولتها ساحلی منافع تاریخی و حیاتی ایران را نادیده می‌گیرند و مبانی حقوقی مورد استناد ایران را به تاریخ می‌سپارند، وزیر خارجه جمهوری اسلامی گامی فراتر نهاده و برخلاف موضع اظهار شده دولت متبع خود مبنی بر حفظ حدائق حقوق حقه ایران در بستر و زیربستر آبهای مجاور دریا، حق ایران را حتا کمتر از آن اعلام می‌نماید، بدون اینکه به پیامدهای حقوقی و سیاسی این نوع اظهارات توجه داشته باشد.

۴- شگفتانه که مقامهای جمهوری اسلامی در جایی که منافع ملی و حیاتی ایران مطرح است، سیاست سکوت را پیش می‌گیرند، ولی در جایی که ایران منافع حیاتی و بنیادی ندارد، مواضع چالشگرانه و دخالت جویانه را خط مشی خود قرار داده اند؛ رویه ای که ملت ایران بهایی سنگین بابت آن پرداخته، می‌پردازد و در صورت ادامه خواهد پرداخت.

جبهه ملی ایران، براین باور است که مسئولان جمهوری اسلامی در رابطه با سیاست خارجی کشور، پیش از هر چیز باید برای منافع ملی الوبیت فائل شوند و مبانی ارزشی را در جهت و خدمت منافع ملی مورد استفاده قرار دهند، نه آنکه منافع ملی و مردمی در مسلخ مبانی ارزشی فدا گردد. دیگر آنکه شایسته است مقامات تصمیم گیرنده نسبت به واقعیات و حقانیت تاریخی، حقوقی و سیاسی مسائل اوضاعی و مرزی کشور خود آگاهی کافی داشته باشند و به پیامدهای حقوقی و سیاسی موضعگیریها و اظهار نظرهای رسمی، بویژه شعارهای افراطی چالشگرانه و بازتابهای آن در رابطه با منافع ملی وقوف لازم داشته باشند.

جبهه ملی ایران، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷

نفت بشکه ای ۱۱۵ دلار ...
سیاسی در سیاست خارجی و جنجال تبلیغاتی در داخل کشور خبری از سر و سامان یافتن ایران نمی‌دهد. بخشی از درآمد سرشار نفت آنچنان که حکومت بارها اعلام کرده است به کشورهای لبنان و سوریه و نیروئلا و نیکاراگوئه اهداء می‌شود و از این بخشش عراق نیز اخیراً بی نصیب نمانده است.

فاصله طبقاتی در ایران روزبروز افزوده می‌شود. اقتصاد بیمار ایران خبر از آینده تاریکتری می‌دهد. اکثریت عظیمی از مردم ایران در تلاش زنده بودن هستند نه زندگی کردن که زندگی برای آنان با مفهوم زنده بودن برابر شده است.

کارشناسان اقتصادی جهان سال ۸۷ را برای جمهوری اسلامی سال آشکار شکست اقتصادی می‌دانند که حکایت از ناتوانی حکومت در کاهش تورم و گرانی است و وضع اقتصادی کم درآمدهای جامعه و خیم تر خواهد شد و نارضایتی مردم افزایش می‌یابد.

وزیر اقتصاد اعلام کرد: (دولت در زمینه مهار تورم به اهداف خود نرسید و سال ۱۳۸۶ تورم چهار تا پنج درصد بالاتر از سال قبل بوده است). شاید این اعتراف صریح در شکست اقتصادی گوشه ای از دلایل برکناری او در بیستم فروردین ماه ۸۷ باشد. ⇫

«ریشه در خاک»

مردن به راه عشق

مردن به راه عشق به منزل رسیدن است
چون موج از میانه به ساحل رسیدن است
در خاک و خون تپیدن افتادگان عشق
از پیج وتاب راه به منزل رسیدن است
پرداختن ز درد دل خود به دردِ خلق
با یک دل شسته به صد دل رسیدن است
رخ تافتن ز عشق حقیقی سوی مجاز
از راه حق به عالم باطل رسیدن است
برخوردن از حیات ابد گرم تر ز خضر
با تشنگی به خنجر قاتل رسیدن است
ما را ز سوز و ساز متربسان که شمع را
پروانه نجات به محفل رسیدن است

سروده شادروان
فریدون مشیری

من اینجا ریشه در خاکم.
من اینجا عاشق این خاک از آلودگی پاکم.
من اینجا تا نفس باقی است می مانم.
من از اینجا چه می خواهم نمی دانم!
امید روشنایی گرچه در این تیرگی ها نیست،
من اینجا باز در این دشتِ خشکِ تشنه می رانم.
من اینجا روزی آخر از دل این خاک،
با دست تهی گل بر می افشارم.

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را چهت چاپ در
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر پفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:
www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

من اینجا روزی آخر از ستیغ کوه، چون
خوردید،
سرود فتح می خوانم.

نشریه
جبهه ملی ایران
خارج کشور
با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
هیأت تحریریه
هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی،
دکتر امیر هوشمند ممتاز و دکتر حسن کیانزاد هر ماه
یک بار در خارج از کشور انتشار می یابد
نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

و می دانم

تو روزی باز خواهی گشت.